

به نام حق

حقوق مردم: سخنی کوتاه با دستگاه قضائی، ماموران انتظامی و مردم

وقایع اخیر پس از انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در ایران و شیوه برخورد دستگاه قضائی، ماموران سپاه، بسیج، نیروی انتظامی و اطلاعات را همه دیدیم. لازم است از لحاظ حقوقی برخی از حقوق و تکالیف کسانی که در دو سر حوادث مذکور قرار گرفته اند را مختصراً و به زبان ساده بدانیم:

(۱) به کلیه قضات و مامورانی که در خدمت سرکوب مردم قرار گرفته اند یادآور می شود که سرکوب مردم، ضرب و شتم، شکنجه، آزار و اذیت و تجاوز به آنان و صدور قرارها و احکام کیفری برای مردمی که به طور مسالمت آمیز (خواه صحیحاً یا خواه به خطا) به نتیجه انتخابات اعتراض دارند ولو اینکه بدون مجوز دست به تظاهرات بزنند، تحت هیچ شرایطی حتی در سیستم حقوقی فعلی ایران مجاز نیست و کسانی که مرتکب این اعمال می شوند یا به انجام اینگونه اعمال غیرقانونی علیه مردم کمک می کنند خود مجرم و مستحق مجازات به تناسب عمل ارتكابی خود خواهند بود.

(۲) برخلاف تصور عمومی، ماموران زیردست نمی توانند بهانه "مامور و معذور بودن" از مجازات رهایی یابند. ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: "هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصوری که قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد." معنای این ماده این است که حتی اگر مامور اشتبهاً (اشتباه قابل قبول) فکر کرده باشد که دستور مافوق وی قانونی است باز هم به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد. حال آنکه امروزه هر انسان معمولی و حتی زیرحدنرمال هم می داند که حمله و حشیانه به مردم، ضرب و شتم، شکنجه، آزار و تجاوز به مردم تحت هیچ شرایطی و به دستور هیچ مقامی حتی رهبر یا رئیس قوه قضائیه یا سایر مقامات، امری قانونی محسوب نمی شود و "آمر و مامور" هر دو "به مجازات مقرر در قانون" محکوم می شوند. لازم به ذکر است که رهبر (ولی فقیه) حتی اگر مشروعیت خود را، در اثر جنایات و مظالم خود و مجموعه اش، از دست نمی داد هم قانوناً حق صدور فرمانی بر خلاف اصول مذکور را نداشت.

۳) اثبات ارتکاب جرم توسط مرتکبین، با توجه به عکس ها و فیلم های مفصل موجود و شهادت شهود متعدد، کاری بسیار ساده است. ضمناً گزارشات، اسناد و مدارکی که به طور روزافزون از سوی برخی از مامورین درستکار یا دچار عذاب وجدان شده علیه همکاران خطاکارشان به طور پنهانی در اختیار برخی معترضان و مراجع گذاشته شده، کار تدارک محاکمه ماموران و مزدوران کودتا را آسان کرده است. ضمناً گزارشات حاکی است که برخی ماموران بی اطلاع انتظامی و اطلاعاتی تحت تاثیر مسئولین بی اطلاع تر از خودشان که مختصر شنیده هائی در مورد ادله قانونی اثبات جرم و مقررات شرع دارند، به تصور این که فی المثل جرم زنا تنها با شهادت چهار مرد عادل قابل اثبات است دست به جنایت نابخشودنی زناى به عنف زده اند، غافل از این که شهادت چهار مرد عادل مربوط به زناى با رضایت طرفین است و زناى به عنف نیازی به شهادت چهار مرد عادل ندارد و ادله عمومی اثبات جرم مثل اجتماع برخی قرائن، امارات، شهادت حتی یک نفر و گواهی پزشک و امثالهم می تواند این متخلفین را به راحتی با مجازات مرگ روبرو کند.

۴) آن دسته از قضات (یا به تعبیر صحیح باید گفت کسانی که بدون صلاحیت، مسند محترم قضاوت را غصب کرده اند) بدانند که در صورت صدور قرارها و احکام علیه مردم معترض ولو بر اساس نص صریح قانون، نخواهند توانست در محکمه عدل از چنگال عدالت فرار کنند. اجرای قوانینی که حقوق مسلم مردم از قبیل آزادی بیان، حق برگزاری تظاهرات و اعتراضات مسالمت آمیز و سایر حقوق اساسی بشر را نادیده بگیرد و تضييع کند بلا توجیه و مستوجب مجازات است. در باب حقوق اساسی مردم (که بخشی از آن حتی در قانون اساسی فعلی کشور پیش بینی شده)، بحث عقاب بلا بیان چندین دهه است موضوعیت خود را از دست داده است. این امر در حقوق امروزی از جمله بارها در دادگاه ها و دیوانهای بین المللی مثل دادگاه نورنبرگ و نیز دادگاههای محلی آلمان که به جنایات عوامل رژیم هیتلر رسیدگی می کردند تصریح شده است. در آلمان نازی قانونی وجود داشت که طبق آن همه موظف بودند هر گونه صدای مخالف با رژیم هیتلر را به دستگاه های مخوف امنیتی آن رژیم گزارش کنند. پس از سرنگونی هیتلر، دادگاهها خبرچین هائی که طبق این قانون رفتار کرده بودند (و بعضاً موجب مرگ افراد صرفاً به دلیل ابراز مخالفت با هیتلر شده بودند) را به مجازات های متناسب با عملشان محکوم نمودند و عذر آنها دال بر رفتار بر اساس قانون زمان هیتلر را نپذیرفتند. قضات، ماموران، مزدوران و عوامل دولت کودتا هشیار باشند که اصول مسلم حقوق بشر از جمله آزادیها، امنیت جانی، مالی و شرافت آحاد جامعه با هیچ قانون یا امر آمر قانونی خدشه بردار نیست. مراقب

باشید سرنوشت شما پس از برکناری رهبر و دولت کودتا مشابه سرنوشت عمال هیتلر پس از سرنگونی وی نشود.

۵) مردم سرفراز ایران مستحضر باشند که اگرچه اکیداً بر مبارزه مدنی بدون خشونت و پرهیز از هرگونه درگیری تاکید می‌نمائیم، اما هنگامی که در مقام دفاع از جان و مال و ناموس خود و دیگران که مورد تهاجم عوامل دولت کودتا قرار می‌گیرید، حق دارید هر اقدام متناسبی را در جهت دفع خطر به عمل آورید و تحت شرایطی اگر ماموری مجروح گردید یا در صورت بیم خطر جانی برای شما و دیگران، این مامور ناچاراً به قتل رسید، شما مجرم نیستید و هیچ مجازاتی در انتظار شما نخواهد بود چون شما از حق دفاع مشروع خود استفاده کرده‌اید. در این خصوص، شرایط ایجاد حق دفاع مشروع در مواد ۶۱ و ۶۲ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر آمده است:

”ماده ۶۱ - هرکس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود -

۱ - دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد .

۲ - عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد .

۳ - توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود .

تبصره - وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد .

ماده ۶۲ - مقاومت در برابر قوای تامینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند ، دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد ، در این صورت دفاع جایز است.”

جمعی از حقوقدانان ایرانی

بیست و ششم شهریور ۱۳۸۸